

راه گاهانی زیستن

راه گاهانی زیستن بر پایه خرد استوار است. زرتشت در همان سرود نخست یادآور می‌شود که به جای چشم‌داشت یاری آسمانی، باید خرد را بجوییم و آن را چراغ راه زندگی سازیم تا با اشا - سامان هستی و قانون طبیعت - هم‌آهنگ شویم.

اینک جستجو می‌کنیم با پاس‌گزاری
با برافراشتن دستها
رسای منش خرد را
نخستین نیک افزای اشا
همه باید بکوشیم
نیک بآفرینیم با اندیشه هوشمند
تا بدست آوریم هم‌سازی
در جهان هستی و روانی
زرتشت - گات‌ها - یسنا - هات ۲۸ بند ۱ (ف ر)

بر پایه هات ۳۱ بند ۱۱، آیین‌ها به دست نهادهایی پدید آمدند که با بهره‌گیری از هوش خویش، اندیشه‌های خود را از راه آیین‌ها و راهبری‌ها گسترش دادند؛ گاه برای سود خویش. این ساختارهای منسجم، در گذر زمان چنان سخت و دگرگونی‌ناپذیر شدند که نوسازی را دشوار ساختند و راه پیشرفت را بستند.

با خرد در آغاز
انجمن‌ها قوانینی را ایجاد کردند
با اندیشه و بینش
سپس به آن چارچوب، جان دادند
از راه کردار (آداب و رسوم) و راهنمایی
بنابراین آنها دین را به انتخاب خود به دست آوردند
زرتشت - گات‌ها - یسنا - هات ۳۱ بند ۱۱ (ف ر)

گاهان، بسی پیش از پدیداری پیام‌آوران، از «ویوان گوشو» سخن می‌گویند؛ آواهایی که به کسانی نسبت داده می‌شد که در پی چیرگی بر دیگران بودند (هات ۳۲ بند ۸). اما همان‌جا نوید می‌دهد که با فزونی خرد، انسان زنجیرها را خواهد گسست، این پندارها را فرو خواهد ریخت و راه بالندگی را ادامه خواهد داد.

از این‌رو، قانون اندیشه گاهانی «جهان هستی» است؛ جهانی واقعی که باید آن را شناخت و سامان داد. برای این کار، گاهان راهی شش‌گامی پیش می‌نهد.

براستی، آن اشا که سرچشمه گرفته
از منش نیک
و پیش از این شناخته نشده
میان دانایان و در هستی
از آن است که راهنمایی خوب پدید می‌آید
که هرگز به کاستی نمی‌رود
و می‌افزاید پارسایی را
و ما را بسوی رسایی راهنمایی میکند
زرتشت - گات‌ها - یسنا - هات ۲۸ بند ۳ (ف ر)

نخست، با منش نیک به شناخت طبیعت می پردازیم.
دوم، قانونها و رازهای آن (اشا) را درمی یابیم.
سوم، بر پایه این شناخت، قانونهای نیک می آفرینیم.
چهارم، جامعه را دادمند و هم آهنگ با طبیعت می سازیم.
پنجم، هر کس در پیشه خویش به رسایی می رسد.
ششم، با میراث نیک خویش در یاد نسلها جاودانه می شود.

در چنین نگاهی، دادمندان با هوش روشن خویش نوآوری می آفرینند؛ نه برای انباشتن دارایی، بلکه برای سود رساندن به مردمان. خرسندی آنان در دانشی است که می اندوزند و در نیک نامی ای که بر جای می نهند. جاودانگی در این اندیشه، ماندن در یاد آیندگان است، نه زیستن بی پایان تن.

و کسانی که درستکار هستند را می شناسی
برای کارهای نیک و روشن بینی
و اندیشه هماهنگ با خرد در هستی
آنها هدفشان برآورده
خواسته شان بیگمان خشنودی
و پاداش شان دانش، نیک نامی و ایمان قابل
ستایش است
زرتشت - گاتها - یسنا - هات ۲۸ بند ۱۰ (ف ر)

در دوره های بعد، گامی هفتم افزوده شد **خودآه**. بازگشت به خویشتن و شناخت درون. این رشته با نام «هفت امشاسپند» شناخته شد. اما رفته رفته این گام هفتم به جایگاه نخست برده شد و «اورمزد» نام گرفت؛ و آن فرایند فلسفی به دستگامی از هفت ایزد دگرگون شد. بدین گونه، سادگی و ژرفای اندیشه گاهانی کم رنگ گشت.

شش گام نخست، در فرهنگ کهن ایران بازتاب یافت: در شش پله آرامگاه کوروش بزرگ، و در سنگ نگاره های پارسه که گروه های شش نفره از سرزمین های گوناگون ارمغان نوری می آورند.

در نوروز نیز این اندیشه با **هفت سینی** آراسته نمادین می شد. اما در روزگاری که فرهنگ باستانی زیر فشار بود، ایرانیان برای پاسداری از آن، نماد فلسفی را ساده کردند و آن را به «هفت سین» فروکاستند؛ هفت چیزی که با «سین» آغاز می شود و هر یک را نشانه ای مادی دانستند:

سماق نماد چاشنی،
سیر نماد آرامش،
سنجد نماد پناه،
سرکه نماد پایداری،
و جز آن

بدین سان، نماد جای فلسفه را گرفت.

اما در بنیان گاهانی، این شش گام دگرگونی ای ژرف در ارزش های انسانی پدید می آورد. توانگری با زر و سیم سنجیده نمی شود، بلکه با کردار نیک، دانش و نیک نامی. مردمان در نیکی بر یکدیگر پیشی می گیرند. هدف زندگی شادمانی و جاودانگی است: ماندن در یادها به سبب کار نیک.

چنین دگرگونی‌ای بهره‌کشی، مزد ناعادلانه، جنگ بر سر دارایی‌ها و ستیزهای دینی را بی‌معنا می‌سازد. گاهان حتی زن و شوهر را فرا می‌خواند که «در جست‌ی راستی از یکدیگر پیشی گیرند» (هات ۵۳ بند ۵)

هفت گام در نماذِ خوانِ نوروز -- هفت سینی

- ۱- منشِ نیک (وهومن) با اندیشه‌ی روشن بجوی و بیاموز
- ۲- بهترین راستی (اشا وهیشتا) قانون‌های طبیعت را دریاب
- ۳- شهریاری نیک (خشته‌وپریه) رهنمود و سازوکار نیک پدید آور
- ۴- آرمانِ پاک (سپنته آرمئیتی) دادمندی و هم‌آهنگی را استوار کن
- ۵- رسایی (هورواتات) در حرفه خود به کمال برسید
- ۷- خودآه (خدا) به خویشتن بازآی و نیروی ۶- جاودانگی (امرتات) با کار نیک در یادِ نسل‌ها بمان وهراسِ مرگ را فروگذار
درون را بشناس

اکنون که مردمانِ ایرانِ بزرگ بار دیگر به شکوهِ فرهنگِ کهنِ خویش روی آورده‌اند، زمان آن رسیده است که فلسفه‌ی راستین نهفته در خوانِ نوروز نیز زنده شود.

در جهانِ هستی، پاسخِ درست یکی است؛ اما در جهانِ اندیشه‌ها، پاسخ‌های بسیار می‌تواند پذیرفتنی بنماید، بی‌آنکه درست باشد. داستانِ آفرینش و سرگذشتِ روان پس از مرگ نمونه‌ای روشن است؛ هر آیینی روایتِ خود را دارد و آن را به خدای یگانه‌ی خویش نسبت می‌دهد.

گاهان یادآور می‌شود که کیهان پردازنده‌ی راستی است. آنچه با خرد می‌آفرینیم باید رو به پیشرفت باشد. هرگز مباد که خرد از پیش‌روی بازماند.

آنگاه که آنها از بین آن برگزیدن
پیشرفت برای خود - افزودند آبادی را
هستی دارای راستی است
آفرینش نیک در منش پرورش می یابد
خرد هرگز نباید بدون پیشرفت باشد
فریبکار حتی از این پیام نیک بهره ببرد
زرتشت - گات‌ها - یسنا - هات ۳۱ بند ۱۰ (ف ر)